

به زیورها بیارایند وقتی خو برویان را

تاریخ بیهقی از شمار شگرف‌ترین و برجسته‌ترین آثار ادبی زبان فارسی یا به تعبیری از «شاهکارهای نثر فارسی» است که اقبال آن را یافته که در دو مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی تدریس شود و بی‌شک این ارزش ادبی متن تاریخ بیهقی بوده که آن را از میان خیل آثار تاریخی و منثور فارسی برکشیده و بر صدر نشانده و مورد عنایت ادیبان قرار داده است. البته ارزش تاریخی و تعلیمی آن از دید برنامه‌ریزان دانشگاهی - که بعد تعلیمی اثر را اگر نگوییم بیشتر به اندازه جنبه هنری آن لحاظ می‌کنند - مغفول نمانده است.

به راستی راز ادبیت این متن در چیست؟ چرا هر کس که بخواهد سه یا چهار شاهکار ادبی نثر کهن فارسی را برگزیند بی‌استثنا تاریخ بیهقی یکی از آنها خواهد بود؟ آن اندازه که درباره تاریخ بیهقی کتاب و مقاله و رساله دانشگاهی نوشته شده درباره کم‌تر اثر ادبی کهن فارسی چنین کاری انجام گرفته، از سبک‌شناسی بهار گرفته تا مجموعه مقالات کنگره بزرگداشت بیهقی در دانشگاه فردوسی مشهد و مقالات متعدد از مجلات و چند کتاب مستقل درباره این اثر و چندین رساله منفرد دانشگاهی. هر یک از این آثار از زوایای مختلف به این متن نظر افکنده و برخی ارزشهای آن را کاویده و آشکار نموده‌اند، اما کم‌تر اثری در این میان می‌توان یافت که راز ادبیت این متن را تبیین کرده باشد و مشخص نموده که اصلاً آیا تاریخ بیهقی اثری ادبی هست یا خیر؟

البته این وظیفه مدرسان دانشگاهی رشته زبان و ادبیات فارسی است که به این پرسش پاسخ گویند و قضیه را روشن کنند، اما متأسفانه بیشترین هم‌استادان ادبیات مصروف حل مشکلات لغوی و زبانی و دستوری و احیاناً مشکلات تاریخی آن می‌شود و کم‌تر به تبیین ماهیت ادبی این اثر می‌پردازند، که تحصیل این مهم با توجه به گزیده‌خوانی و عدم لحاظ مکتب متن امری آسان و سهل نیست.

جلوه‌های ادبیت تاریخ بیهقی برخلاف خواهر خوانده‌های تاریخی آن مانند تاریخ جهانگشای جویی و تاریخ و صاف و... چندان آشکار نیست، زیرا این عروس نثر فارسی با چنان ظرافت و مهارتی آرایش شده است که در نگاه نخست و بدون تأمل، آراستگی پنهان آن به چشم نمی‌آید. بیهقی گاهی این خو بروی خویش را به زیورها آراسته، اما این سیمتن چنان زیبا شده که خود زیورها می‌آراید و مایه لذت خواننده را فراهم می‌آورد. لذت حاصل از خوانش تاریخ بیهقی، توأمان لذت خوانش غزل سعدی و غزل حافظ را تداعی می‌کند. لذتی که از صدق و حقیقت موجود در این اثر حاصل می‌شود یادآور صدق و حقیقت غزل بی‌پیرایه و آرایه سعدی است و لذت حاصل از آراستگی پنهان و هنرمندانه نهفته در آن، یادآور صنعتگری پنهان حافظ است. لذت حاصل از خوانش متن بیهقی لذتی پارادوکسی است، یعنی این که در عین حال که حاصل نوعی ادراک ذات‌الکیف است تا اندازه‌ای نیز حاصل ادراک بلاکیف نیز است و به همین سبب این متن به تعبیر نویسنده آن چونان (تاجی مرصع) بر سر زبان و ادبیات فارسی نشسته است.

شاید همین نزدیکی به کانون ادراک بلاکیف بوده که تاکنون محققان کم‌تر خطر کرده و در پی شناسایی راز ادبیت آن برنیامده‌اند. بیهقی در عین حال که سعی دارد اثر تاریخی متفاوتی خلق کند، تا اندازه‌ای نیز تلاش می‌کند با گزینش بعضی هنجارها و نظامهای ارزشی یا جهان‌بینی معینی، از دنیای تاریخی فراتر رود. او با برخورداری از توانش کیمیاگری که ویژه نخبگان است، از همان مصالحی که در دسترس بسیاری از مورخان هم عهد وی چون گردیزی و دیگران بوده، توانسته اثری با مایه‌های ادبی والا خلق کند که در نوع خود شاهکار بی‌همال به شمار آید.

بیهقی در تاریخ خویش که با اندکی تسامح می‌توان آن را اثر ادبی خواند برخلاف مورخان و نویسندگان دیگر که به خواننده



● متن در غیاب استعاره

دکتر حسین‌الله عباسی

● سینا جهانمیده

● انتشارات چوبک، چاپ اول، ۱۳۷۹

سراغ تاریخ بیهقی رفته و چنان که خود در مقدمه کتاب می‌نویسد: «سعی و هدفش آن بوده که تاریخ عصر بیهقی را با تاریخ بیهقی یکی نیندازد؛ چرا که عصر بیهقی دنیای ایستا و تمام شده است، ولی جهان متن تاریخ بیهقی همیشه در حال گسترش است، به هر فرهنگی که وارد می‌شود طیف ویژه‌ای می‌گیرد و قرائت نوینی می‌طلبد.»^۱

مؤلف با عنایت به مبانی نقد فرمالیستی و ساختارگرایی توانش ادبی لازم برای قرائت متن یافته و آنگاه به بررسی تقریباً همه جانبه ابعاد زیبایی‌شناسی تاریخ بیهقی پرداخته است. پس از مقدمه کوتاهی درباره بیهقی و نثر فارسی، متن تاریخ بیهقی را در سه بخش: در استفاده از امکانات زبانی، استفاده از امکانات ادبی و تاریخ بیهقی به مثابه داستان به تفصیل تمام بررسی و تحلیل نموده است و در نهایت نشان داده که در تاریخ بیهقی چگونه «کلام توانسته است تا حد شگونی هنری ارتقاء پیدا کند و از ابزار انتقال معنای صرف بودن درگذرد.»^۲

پانوشتها:

۱. اصطلاح متن پیشرو از آن رولان بارت است که آن را در مقابل متن واتسگرا به کار می‌برد، از دیدگاه وی متن واتسگرا خواننده را در مقام مصرف‌کننده صرف یک معنای ثابت در نظر می‌گیرد، حال آن که متن پیشرو خواننده را به یک تولیدکننده تبدیل می‌کند. متن نوع اول «قابل خواندن و نوع دوم قابل نوشتن نامیده می‌شود.»

۲. راهنمای نظریه ادبی معاصر، رمان سلدن، ترجمه عباس مخبر، تهران طرح نو، ۱۳۷۲، ص ۱۵۱-۱۵۲.

۳. همان، ۲۳۳.

۴. متن در غیاب استعاره، ۸.

۵. کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره ۴۴، ص ۱۶، مقاله «جادوی شعر گذشتگان»، دکتر ضیاء موحد.

عنایت و التفاتی ندارند؛ به کردار شهرزاد قصه‌گوی که حیات خود را در گرو علاقه شهريار به قصه خویش می‌داند و به همین منظور با استفاده به عنایت و توجه خواننده منوط می‌داند و به همین منظور با استفاده از امکانات مختلف زبانی، ادبی و داستانی در پی خلق فضایی است که خوانندگان کتاب وی از طیفهای اجتماعی مختلف بتوانند در این فضا تنفس کنند. او به گزارش وقایع بسنده نمی‌کند بلکه درصدد آن است که روح حقیقت را گزارش کند. بیهقی با استفاده از امکانات ادبی و داستانی و شاعرانگی، خواننده را از شاهراه تاریخ که به سرعت به مقصد می‌انجامد به حاشیه‌ها و کناره‌ها می‌کشاند و با خلق چشم‌اندازهای زیبا، مایه التذاذ خواننده را فراهم می‌آورد، این چنین است که تاریخ بیهقی، «متن پیشرو» می‌شود. شاید بتوان مدعی شد که بیهقی بیش از آن که در پی خلق اثری تاریخی بوده در پی آفرینش اثری ادبی بوده است. او به کردار فردوسی که سراینده حماسه ملی منظوم ماست، حماسه تاریخی مشهور فارسی را خلق کرده است.

نویسنده کتاب در غیاب استعاره با اعتقاد به این امر که «اثر ادبی چیزی نیست که قائم به ذات باشد و به هر خواننده‌ای در هر دوره‌ای چهره واحدی بنماید. پادمانی نیست که جوهر بی‌زمان خود را در نوعی تک‌گویی آشکار کند.»^۱، همچنین با باور این امر که وقتی می‌توان در خوانش یک «متن پیشرو» به درک و دریافت تازه‌ای دست یافت که فضای فرهنگی تغییر کند و پرسش تازه‌ای درباره آن متن طرح شود - چون بدون داشتن پرسش تازه به سراغ متن رفتن به منظور درک و دریافت تازه از آن، شاید کاری عبث و بیهوده باشد - به